

روابط ایران و آمریکا تخفیف بحران!

ش. واحدی

به افغانستان انتقال پیدا کرد. دولت آمریکا که از دیر باز بدنبال مجوزهای تازه "وقایع کنشده" ای برای پیاده نمودن سیاست نوین خود بود، با استناد به مداخله شوروی در افغانستان و لزوم بسیج جهانی علیه این مداخله، از یکسو افکار عمومی جهانی را جهت دست یازیدن بهر نوع تقابل نظامی علیه شوروی آماده میساخت و از سوی دیگر با کوشش در جهت ایجاد بلوکهای تازه در نقاط مختلف و بسیج متحدین قدیمی، به ایجاد صفارائی های نوین علیه شوروی مبادرت نمود. مساله مداخله نظامی شوروی در افغانستان از همان آغاز مسالسه بحران ایران و آمریکا را بشدت تحت الشعاع خود قرار داد. کارتر طی پیامهای متعددی برای رهبران رژیم ایران لزوم وحدت آمریکسا - ایران را علیه "شوروی دشمن اصلی" خاطر نشان نموده و حتی تمایل آمریکا را مبنی بر فروش اسلحه به ایران و اعزام مستشار برای تقویت کارآئی و بنیهی نظامی ایران جهت مقابله با شوروی اعلام نمود. این کوششهای آشتی طلبانهی آمریکا با رژیم ایران را باید در دو مسالسهی مشخص جستجو کرد. یکی ماهیت ضد کمونیستی رژیم ایران که مهمترین فصل مشترک و پایهی دوستی دولتین ایران و آمریکا است و دیگری عملکردهای مشخص رژیم ایسران در ارتباط با مساله افغانستان. دولت ایران از همان ابتدای مداخله شوروی در افغانستان شوروی را البته نه از زاویهی مترقی و انقلابی بلکه از دیدگاه راست و ضد کمونیستی خودمورد حمله قرار داد و محکوم نمود. بلافاصله بسیج افکار عمومی ایران برای تقویت اپوزیسیون اسلامی افغانستان که دست پروردهی "سیا" آمریکسا و تحت حمایت مستقیم بورژوازی بزرگ

مسالهی بحران روابط ایران و آمریکا در واقع یکی از مسالسهی استراتژی جهانی نوین آمریکا را در معرض دیدگاههای مردم جهان قرار میدهد. بحران سیاسی ایسران و آمریکا خودمستمکی شدیدی برای طرح مسالهی جنگ در افکار عمومی آمریکا برای "حفاظت از منابع نفتی خلیج فارس" و گسیل ناوگانهای آمریکائی به منطقه و بسیج حدود ۴۰۰ هزار تنفکندار آمریکائی جهت مداخله مستقیم نظامی در شرائط مورد نیاز. در این ارتباط هم چنین میتوان افزایش فوق العادهی بودجهی "دفاعی" آمریکا و تقویت نظامی ناتو، فروش جنگ افزارهای تازه به مصر و پاکستان، کوشش برای ایجاد پایگاههای جدید نظامی و هم آهنگ ساختن فعالیتهاى آمریکا در عمان، امارات متحدهی عربی، سومالی، عربستان سعودی و... و از همه تازه تر طرح بخدمت فرا خواندن اجباری مردان و زنان آمریکائی برای انجام خدمت زبیر برجم و تقویت ارتش آمریکا را نام برد. معذالک و در این میان علیرغم تشدید فعالیتهاى جنگ طلبانهی آمریکا، آتمسفر حاکم بر روابط ایران و آمریکا و بحران موجود که نمود آشکار و عریان استراتژی تهاجمی جدید آمریکا بود، بطرز بیسابقه ای کاهش یافته است. چرا علیرغم استراتژی نوین و جنگ - افروزانهی آمریکا بحران ایران و آمریکا تخفیف می یابد؟ بررسی این امر و عوامل اصلی کاهش بحران را باید در اوضاع داخلی ایسران و منطقه جستجو کرد. در این رابطه به چند عامل باید اشاره نمود. از آغاز تهاجم نظامی شوروی به افغانستان و متعاقب آن تغییر رژیم سیاسی در این کشور، مرکز ثقل بحران توجه افکار عمومی جهان از ایران

در هفته های اخیر با توجه به پاره ای از تحولات جهانی، جو سیاسی حاکم بر آمریکا بشدت تغییر یافته است. این تغییر با در نظر داشتن بحران سیاسی چند ماهه گذشته بین ایران و آمریکا و تمرکز توجه افکار عمومی جهان نسبت به مسالسهی گروگانهای آمریکائی در تهران قابل تعمق و مستلزم بررسی است. طی چند ماهه گذشته بحران روابط ایران و آمریکا با مسالهی "اشغال" سفارت آمریکا و گرفتار شدن "دیپلمات" های آمریکائی در تهران با اوج خود رسید. دولت کارتر و متحدین امپریالیستش ظاهرا "به انواع تهدیدها و فشارها و اقدامات تلاقی جویانه دست یازیدند. از جمله این اقدامات میتوان به مسدود کردن کلیه سپرده های ارزی ایران در بانکهای آمریکائی، قطع خرید نفت از ایران، محکوم نمودن ایسران در دادگاه لاهه و شورای امنیت و نیز اعمال انواع فشارهای بیسابقه بر ایرانیان و دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا و بالاخره اقدام به تحریم اقتصادی جهانی علیه ایران بعنوان مهمترین مکانیزمهای فشار آمریکسا بر ایران اشاره نمود. طولانی شدن مسالهی گروگانها و تبلیغات شوونیستی در آمریکا باعث گردید که در چند ماهه گذشته بطور بیسابقه ای جو عمومی آمریکا حالت و خصوصیات دموکراسی بورژوازی را پشت سر گذارده و سرعت بطرف جو فاشیستی متمایل شود. البته این تغییر در جو عمومی آمریکا را باید در ارتباط با تغییر استراتژی جهانی آمریکا برای دهه ۸۰ که نمود عمدهی آن تغییر دکتربینهای گذشته مربوط به عدم مداخلات مستقیم نظامی به دکتربین جدید کارتر مبنی بر دخالت مستقیم نظامی آمریکا در ارتباط با رویدادهای حساس جهانی است، بررسی نمود.

عرب می‌باشد، آغاز شد. شورای انقلاب و اینبار از دهان "لیبرال ترین" فرد بنی صدر اعلام کرد که نه تنها کمکهای مالی را به "جنش مسلمانان افغانستان" ارسال خواهد داشت بلکه در آینده اجازه خواهد داد که داوطلبان ایرانی جهت مقابله با "کفار" به افغانستان اعزام شوند. طبیعی بود که عکس العمل آمریکا نسبت به سلسله اقدامات رژیم ایران بسیار مثبت و تأیید آمیز باشد. در کنار این ماجرا افزایش خوشبودی آمریکا را از تحولات مطلوب در ایران باید در شرکت رژیم ایران در کنفرانس کشورهای اسلامی در اسلام آباد، ملاحظه نمود. طرح آمریکا در برگزاری کنفرانس کشورهای مسلمان در پاکستان که کنفرانسی ماهیتاً ارتجاعی بود، و در خط سیاست آمریکا

در محافل سیاسی آمریکا بوجود آورده بود. خوشبینی های محافل آمریکائی زمانی شدت یافت که بنی صدر طرحهای قابل قبولی را برای حل بحران ایران و آمریکا و فیصله دادن مسأله کروگانها پیشنهاد نمود. از جمله نکات پیشنهادی تازه میتوان به حذف استرداد شاه بعنوان خواست اصلی رژیم ایران، توافق بر روی تشکیل کمیتهی بین المللی تحقیق برای "رسیدگی به شکایات ایران" و درخواست از آمریکا بقبول سک مغذرت خواهی از اعمال گذشتهی خود، اشاره کرد. در این ارتباط دولت آمریکا نخست از حملات بنی صدر به سایر جناحهای قدرت در ایران از جمله "دانشجویان پیرو خط امام" و حتی رقبای حزب جمهوری اسلامی پشتیبانی کرد و او را بعنوان فرد

لیکن یک نکته را نباید از نظر دور داشت و آن اینکه علیرغم خوشبینی های زیاده از حد استراتژیستهای آمریکا نسبتی و ایدئولوکیهای سرمایه داری جهان و علیرغم عمده شدن مسألهی شوروی و افغانستان در جهان، شرایط بحرانی داخلی ایران که اصلی ترین وجوه آن در حال حاضر تشدید منازعات جناحها، حاکم آنها در لحظاتی که پیش از هر وقت دیگر احتیاج به وحدت دارند، هنوز ادامه دارد.

تعمیق بحران سیاسی و در یک کلام بی ثباتی روز افزون رژیم حاکم مجال زیادی برای خوشبینی به رهبران آمریکا نمیدهد. اوضاع کنونی ایران در کلیهی شئون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بی ثبات و بیشت در معرض تغییر و تحول است.

علیرغم خوشبینی های زیاده از حد استراتژیستهای آمریکائی و ایدئولوکیهای سرمایه داری جهانی و علیرغم عمده شدن مسألهی شوروی و افغانستان در جهان، شرایط بحرانی داخلی ایران که اصلی ترین وجوه آن در حال حاضر تشدید منازعات جناحهای حاکم، آنها در لحظاتی که پیش از هر وقت دیگر احتیاج به وحدت دارند، تعمیق بحران سیاسی و در یک کلام بی ثباتی روز افزون رژیم حاکم است، مجال زیادی برای خوشبینی به رهبران آمریکا نمیدهد.

فرار داشت، با شرکت حدود ۳۵ کشور اسلامی از جمله ایران موفقیت کامل روبرو شد و رژیم حاکم این بیروزی را با سر و صدای زیاد در سطح جهان تبلیغ کرد. کنفرانس کشورهای اسلامی نشان داد که مسألهی شوروی در افغانستان بالاخره بنده ایجاد صفتبندیهای جدید در جهان انجامیده و جایگاه واقعی نیروهای مختلف جهان اسلام در این صفتبندیها نوین روشن است.

در اینجا یک مسألهی دیگر را باید توضیح داد و آن تحولات داخلی ایران است. انتخابات رئیس جمهور و بدنیال آن بقدرت رسیدن بنی صدر به رئیس جمهور "حافظ نظم" و مایل "بمذاکرات دیپلماتیک" از نظر آمریکا یک گام به جلو بود از جانب دیکر از زبانی مشخصات رئیس جمهور تازه و برنامه های او برای آینده، امیدهای تازه ای را

"منطقی" و "واقع بین" مورد ستایش قرار داد. با شروع مقدمات کار کمیسیون تحقیق بین المللی، کارتر نیز متقابلاً دستور به تعویق انداختن طرح محاصرهی اقتصادی ایران و نیز انجام امور تدارکاتی برای آزاد ساختن ذخائر ارزی ایران (۲۰ بلیون دلار) را به مسئولین امر صادر کرد. کارتر با توجه به حمایت ابدالله خمینی از شخص بنی صدر، خوشنودی خود را از تحولات تازه در ایران تا بدانجا رساند که برای اولین بار، در کلیسای واشنگتن بجای دعا برای آزادی کروگانها برای بهبودی کامل شخص آیت الله دعای خیر کرده و سلامتی ایشان را آرزو کرد.

رخدادهای فوق الذکر در چند هفتهی گذشته جملگی در تعبیر جو سیاسی در آمریکا و تحقیف بحران ایران و آمریکا موثر بوده اند.

جریانات سیاسی حاکم امروز بمراتب بیش از گذشته فطبی شده و فضای سیاسی نوینی که دارای ابعاد مشخص ضد امپریالیستی است در جامعهی ما کسترش یافته است. جو ضد امپریالیستی و ضد آمریکائی موجود را حتی اگر که روند مناقشات هیئت حاکم بلاخره به تثبیت رژیم بنی صدر بی انجامد، باین سادگی نمیتوان بقبول برد و اصولاً بنظر ما تحسنت اتمسفر حاکم، مناسبات ایران و آمریکا علیرغم کوششهای آمریکا و علیرغم شغمه های سازشکارانهی هیئت حاکمه هیچگاه بحالت اول باز نخواهد گشت. و مبارزهی مردم همچنان ادامه خواهد یافت. [۵]

